

دیگر نوشت که پیش رود و بر اجماع حال پیش آمد و بر این خلاص
 کردم من جبران بدانم پس گفت ای صاحب خانه از حد ایستاده
 و از بعد از منو اهم و الله که من ندانم که حال چیست و بجای ای که
 لزا که کردم بخدای تعالی باز گشتم و پیش معتقد رفتم و قصه
 بار گفتم گفت این سر را بوشید که در اید و الا لغرم که
 شمار کردن زنت و چون بعضی از احوال میراد استی که
 شیعه امامیه مرا وارد و غنیمت انبیا می گشتند که غنیمت
 قصری یعنی کونا ماه و آن زمان ولادت و نیست تا زمان
 انقطاع سفارت و دیگری غنیمت طوی یعنی در از سر و آن زمان
 انقطاع سفارت تا زمانی که خدای تعالی ظهور در بر مقدر
 ساخته است و در غنیمت قصری و بر اسبقان انبیا می گشتند
 یکی بعد از دیگری که وسطه بوده اند میان وی و سایر خلایق که
 حاجات و سورات اینها را بوی بر فرغ می کرده اند و جواب
 ان فی آورده اند و آن سفارت بر شخصی علی بن حسین نام
 ختم شده است و وفات وی در سنه ستم و عتس من بلخانی

لاده است

بوده است و از وی آرند که پیش از وفات خود پیش در
 توفیقی بیرون آورد که محمد بن الحسن العسکری رضی الله
 نوشته است و نسخه اش غنیمت اسم عبد الرحمن الحکیم
 با علی بن محمد اعظم الله اجره خواند فیک فانک غنیمت غنیمت
 و این ستم ایام و آنچه افترک و لا تو انی اخذ بعوم مقام غنیمت
 و فانک قصه و غنیمت الغنیمه التامة فلا ظهور للامم اذن الله
 تعالی و در آنک بعد طول اللامه و فسوه و المقلب و المثل للارض
 جورا سیان من شیعی من بدعی المشاهده للامم اذنی المشاهده
 قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کتار مقبر و لا حول للاعوه الا
 بالله العلی العظیم چون روز شنبه رسید فوت شد و هیچ وصیت
 سفارت نکرد بعد از آن وقت غنیمت طوی در آمد امی ما سار الله
 تعالی و آن طایفه را در مدت غنیمت قصری از وی حکایات
 بسیار است **و از جمله است** که یکی از امالی تو اجمی علیه را که
 اسمش نام داشت یعنی بر آمد که همه اطباء جمله و بعد از علاج
 عاجز بودند و گفتند که علاج آن جز بقطع آن ممکن نیست در قطع آن

نسخه طول